

پیشینه تشیع در کاشان

در باره تاریخ کاشان، آثار تاریخی متعددی نوشته شده است. گویا کهنه ترین آنها مرآة قاسان میرزا عبدالرحیم سهیل ضرابی کاشانی است. پس از آن کتابهای دیگری تألیف شده از جمله کتاب تاریخ اجتماعی کاشان از حسن نراقی. در این کتاب فصلی به تشیع کاشان اختصاص داده شده و در آن یادداشتهای مختصری در باره تشیع در کاشان آمده است. در آنجا، نگرش نادرستی هم در باره هم‌نوایی ایرانیگری و تشیع وجود دارد. (صص ۴۳ - ۴۵) این سخن نادرست هم که تشیع مردم کاشان پیش از تشیع قم، بوده در آنجا ابراز شده است. (ص ۴۷). مقالی هم در باره نام کاشان و قوم کاسیان توسط دکتر پرویز ادکائی نوشته شده و در مجموعه درگزین تا کاشان (همدان ۱۳۷۲) چاپ شده است. دو اثر هم آقای حسین فرخ یار در یکی با نام بناهای تاریخی کاشان و دیگری با عنوان مجموعه تاریخی - مذهبی مشهد اردهال نوشته اند. اخیراً هم کتلی با نام سیمای کاشان توسط آقای حبیب الله سلمانی آرائی نوشته شده که مروری است اجمالی بر تاریخچه شهر کاشان و بیشتر به مسائل دوره جدید آن پرداخته است. در این اثر هم به اختصار - کمتر از کار نراقی - به تشیع این شهر پرداخته شده است. روشن است که مقالات فراوان دیگری در باره این شهر و تمدن کهن آن نوشته شده که اینجا، جای معرفی آنها نیست.

نوشته حاضر، تلاشی است در فراهم آوردن یادداشتهایی چند در باره پیشینه تشیع در شهر کاشان. طبعاً حوزه این پژوهش کوتاه، کاشان پیش از صفوی است، چه بعد از آن،
ص: ۳۴۱

کاشان، بلیتوجه به سوابق دیرینه اش، نقشی اساسی و مهم در رواج تشیع در ایران دارد. این موضوعی است که باید در فرصتی دیگر به آن پرداخت.

تشیع کاشان در منابع جغرافی و تاریخی

نام کاشان در منابع تاریخی در کنار نام قم آمده^۱ و از لحاظ حوزه حکومتی هم در قرون نخست تابع این شهر بوده است. مؤلف تاریخ قم، قاشان را در میان توابع قم می آورد بدان دلیل که: «بیشترین ضیاع آن با حوز قم گرفته اند»^۲ در باره ناصرالدوله بن حمدان که فردی شیعی مذهب بوده^۳ و زمانی حاکم قم شد آمده است که وی در طی سالهای ۲۹۶ تا ۲۹۸ حاکم مناطق قم و کاشان بوده است.^۴

۱. یاقوت (معجم البلدان، ذیل مورد قاشان نوشته است مدینه قرب اصبهان تذکر مع قم

۲. تاریخ قم، ص ۷۴

۳. مجالس المومنین، ج ۱، ص ۸۵

۴. نک: الدولة الحمدانیة، الجزء الاول (فیصل السامر، بغداد، ۱۹۷۰)، ص ۱۱۰ و نک: صص ۱۰۵، ۱۰۸

بدین ترتیب باید تشیع کاشان را با تشیع قم پیوند داد؛ بویژه که برخی از شیعیان قم، نظیر احمد بن محمد بن خالد برقی، املاکی در کاشان داشته و طبعاً رفت و شدی به آن شهر می کرده اند. اصولاً در منابعی که اشاره به مذهب مردم کاشان شده، آمده است که آنها مانند مردم قم، شیعه مذهب بوده اند. از جمله جهانی بعد از اشاره به تشیع قم، در باره مردم کاشان می نویسد: ایشان هم شیعه مذهبند.^۵ ابن حوقل نوشته است: **والغالب علیه الحشوی**.^۶ این می تواند اشاره به رواج مذهب اخباری شیعی در شهر قم و کاشان در قرن چهارم باشد.

در شعری از ابی سکره آمده است:

ان عید اهل قم*** و کاشان و الکرچ

یتلاقی بیاضهم*** بقلوب من السبج

مردم شیعه قم و کاشان و کرچ در جشنها و اجتماعات با جامه سپید و دلهای سیاه، ظاهر

ص: ۳۴۲

می شدند.^۷ دانسته است که رنگ سفید، رنگی شیعی بوده است.

قزوینی در مورد آن می نویسد: اهلها شیعه امامیه غالبه جدا اهالی آن، شیعه غالی امامی هستند. پس از آن، اشاره به سنت مرسوم در این شهر در مورد انتظار حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه می کند.^۸ یاقوت نیز نوشته که اهلها کلهم شیعه امامیه.^۹

محمد بن علی بن سلیمان راوندی (م ۶۰۱) که خود حنفی مذهب بوده، در باره تشیع کاشان مطالب

تندی آورده است. او که به شدت متعصب و ضد شیعه بوده می نویسد:

و غُزَّان در خراسان آن بی رسمی نکردند و آن بی رحمی نمودند که خوارزمیان با عراقیان از خون به ناحق و ظلم و نهب و خرابی؛ و اگر به شرح نوشته آید ده کتاب چنین باشد و رافضیان کاشان علیهم اللعنة آن ظالمان را بر آن می داشتند که ولایت می کردند و به شهر می آوردند و بدیشان می فروختند. و هفتاد و دو فرقه طوایف اسلام هیچ را ملحد نشاید خواند و لعنت نشاید کرد الا رافضی را که ایشان اهل قبله و اجتهاد مجتهدان باطل داند و نماز پنج گانه را با سه آورند و زکات برداشته یعنی که ابوبکر صدیق در آن غلو کرد و از اهل رده بستند و به حج به طوس روند، هزار مرد کاشی را حاجی خوانند که نه کعبه دید و نه به بغداد رسید، به طوس رفته باشد و خبری از عایشه صدیقه رضی الله عنه روایت کنند تا کس نگوید که دروغ است که، «هرچه به زیارت طوس رسد به هفتاد حج مقبول باشد» و دعاگوی را خویشی بود گفته: همچنانکه مار کهن شود، اژدرها گردد، رافضی که کهن شود ملحد و باطنی گردد و شرح فضائح و قبایح رافضیان و خبث عقیدت ایشان را در کتابی مفرد آورده ام. و شمس الدین لاغری این بیتها خوش گفت:

خسروا هست، جای باطنیان*** قم و کاشان و آبه و طبرش

آب روی چهار یار بدار*** و اندرین چار جای، زن آتش

۵. أشکال العالم، ص ۱۴۳

۶. صورة الارض، ص ۳۰۸

۷. یتیمه الدهر، ج ۲، ص ۲۵۶. به نقل الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع عشر، (آدم متر ترجمه محمد عبدالهادی ابوریاده، قاهره، ۱۹۵۷) ج ۱،

ص ۱۰۸، و ترجمه فارسی آن با عنوان تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم، ج ۱، ص ۸۰

۸. آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۴۳۲

۹. معجم البلدان، ج ۴ ص ۲۹۶

پس فراهان بسوز و مصلحگاه*** تا چهارت ثواب، گردد شش^{۱۰}

ص: ۳۴۳

مستوفی در قرن هشتم در باره کاشان نوشته است : مردم شیعه مذهب اند و اکثرشان، حکیم وضع و لطیف طبع در آنجا جهال و بطال، کمتر باشند.^{۱۱} ماهاباد، یکی از قریه های بزرگ اطراف کاشان نیز شیعه امامی بوده اند.^{۱۲} مستوفی نوشته است که بیشتر روستاهای آن سنی مذهبند.^{۱۳} در جای دیگر اشاره کرده ایم که مردم ماهاباد، شیعه امامی بوده اند.^{۱۴}

ابن بطوطه در جایی مردمان شهرهای کربلا، حلّه، بحرین، ق م، کاشان، ساوه!، آوه و طوس را شیعه دانسته است.^{۱۵}

محلّه ای به نام محلّه پنجه شاه - امام علی - در کاشان موجود است که براساس یک نقل عامیانه، محل دفن دست حضرت ابوالفضل العباس در آنجاست . گفته اند دختر مالک اشتر از کربلا آن را به این سوی آورد ! مردم این ناحیه دست را از او گرفته و در اینجا دفن کرده اند.^{۱۶} گفتنی است که قبر سید فضل الله راوندی در آن سوی خیابان واقع شده است.

از قدیم مَنکی بوده است که: و علیّ فی عمّان کعمر فی قاسان. حیرتی شاعر عصر شاه طهماسب صفوی، بر اساس آن مثل این شعر را سروده است که:

خوارم اندر ولایت قزوین*** چون عمر در ولایت کاشان

از سوی دیگر مراسم انتظار ظهور مهدی - علیه السلام - در شهر کاشان برقرار بوده است. این مراسم در برخی دیگر از شهرهای شیعی نیز وجود داشته است . یاقوت و قزوینی به نقل از کتابی از ابوالعباس احمد بن علی بن بابۀ القرشی (یا کاشی) که مردی ادیب بوده و از کاشان به مرو آمده و پس از سال پانصد هجری وفات یافته، می نویسند: او جمعی از علویان بلاد خود را دیده که به مذهب امامیه اعتقاد دارند و هر روز صبحگاهان در انتظار آمدن قائم هستند . آنها به انتظار صرف اکتفا نمی کنند بلکه همگی بر اسب سوار شده، سلاح برگرفته و از قریه های خود برای استقبال امام خارج می شوند؛ اما وقتی از آمدن آن حضرت ناامید شدند باز می گردند.^{۱۷}

ص: ۳۴۴

شاعری شیعی هم با نام نصره رازی در قرن هشتم در شعری که سروده نامی از تشیع کاشان به میان آورده است. ابیاتی از یک قصیده او در ستایش دوازده امام چنین است:

طرف جانب از علوم و از عمل پر کن مدام*** کاسه پر باید تو خواه از چین و خواه از مرودشت

۱۰. راحة الصدور و آية السرور فی تاریخ آل سلجوق، صص ۳۹۴ - ۳۹۵

۱۱. نزهة القلوب، صص ۶۷، ۶۸

۱۲. آثار البلاد، ص ۴۳۲

۱۳. نزهة القلوب، ص ۶۸

۱۴. روضات الجنات، ج ۱ ص ۱۷۲ (از تلخیص الانار)

۱۵. همان، ص ۱۸۷

۱۶. قم نامه، ص ۲۵۶

۱۷. معجم البلدان، ج ۴، صص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ آثار البلاد، ص ۴۳۲

گر همی خواهی خلاص خویش ازین غرقاب جهل***حب اهل البیت جو، یعنی جناب چار و هشت
دین اهل البیت دار و مهر آل طاهرین***خواه در کاشان نشین و خواه در رستاق خشت

مؤلفان شیعی متقدم کاشان

نجاشی در رجال خود از چند عالم مؤلف شیعی یاد کرده است. یکی از آنها ابومحمد عبدالرحمن بن حسن کاشانی است که ملقب به «الضریر المفسر» بوده است. نجاشی در باره او نوشته است: وی حافظه خوبی داشته و در کاشان می زیسته است. من نامه او را به ابوعبدالله حسین بن عبیدالله و ابوعبدالله محمد بن محمد دیدم. او قصیده ای در فقه نیز داشته است.^{۱۸}

عالم دیگری کاشانی، ابوالحسن علی بن محمد بن شییره کاشانی (زندگی در میانه قرن سوم هجری) است. نجاشی در باره او نوشته است. او فقیه بوده، روایات زیادی نقل کرده و فضل بوده است. احمد بن محمد بن عیسی او را مطعون دانسته. نیز گفته شده که از وی آرای مذهبی نادرستی شنیده شده اما چیزی که این مطالب را نشان دهد در آثارش دیده نشده است. آثار وی عبارتند از: کتاب التأدیپ، که در نماز است و شبیه کتاب

ص: ۳۴۵

ابن خانبه، اما افزوده هایی در حج دارد. کتاب دیگر او، کتاب الجامع فی الفقه است که بزرگ می باشد.^{۱۹} صدوق چندین روایت از وی نقل کرده است. در این نقلها، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسن صفار و سهل بن زیاد از وی روایت می کنند.^{۲۰} در کافی هم، علی بن ابراهیم قمی از وی روایتی نقل کرده است.^{۲۱}

عالم دیگر کاشانی، ابوالحسن علی بن سعید بن رزام کاشانی است. نجاشی در باره او نوشته است: او از قریه ای از مناطق اطراف کاشان بوده و در حدیث موثق و آمین است. وی از احمد بن محمد بن عیسی و ابن ابی الخطاب روایت می کند. کتاب الجنائز وی، نیک و مفصل است.^{۲۲}
ابراهیم بن شبیه اصفهانی از اصحاب امام هادی - علیه السلام - و از اهالی کاشان بوده است.^{۲۳}

کاشان پناهگاه علویان

فشاری که از ناحیه خلفای اموی و بیشتر از آن، عباسیان به طالبی ها وارد آمد، آنها را مجبور کرد تا به مشرق پراهنده شوند. شهرهای مختلفی در ایران از شمال تا جنوب، مأواي آنها شده بود. در این میان چند شهر به دلایلی، بیشترین تعداد علویان را پذیرفت. بعد از شهر قم که به تعبیر امام صادق - علیه السلام - «مأواي

۱۸. رجال النجاشی، ص ۲۳۶، ش ۶۲۶ «له قصیده فی الفقه فی سائر ابوابه مزدوجه».

۱۹. رجال النجاشی، ص ۲۵۶، ش ۶۶۹. در باره او نک: قاموس الرجال، ج ۷، ص ۵۶۰، ش ۵۳۰۰

۲۰. نک: امالی صدوق، صص ۶۶۸، ۶۷۳؛ علل الشرایع، ص ۳۹۴؛ الخصال، ص ۲۴۱؛ معانی الاخبار، ص ۲۳۸؛ عیون اخبار الرضا (ع)؛

ص ۲۷۷؛ التوحید، صص ۱۰۰، ۴۰۶

۲۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۳ باب نوادر الحج.

۲۲. رجال النجاشی، ص ۲۵۹، ش ۶۷۷

۲۳. رجال الطوسی، ص ۳۹۸

فاطمیان»^{۲۴} و ملجأ و پناهگاه شیعیان^{۲۵} بود، باید از شهر ری و کاشان یاد کرد که هنوز مقابر علویان در آنها فراوان است.^{۲۶}

بسیاری از بزرگان سادات که به قم عزیمت می کردند، پس از مدتی راهی ری و کاشان می شدند. در مواردی هم فرزندان آنها، دست به چنین مهاجرت‌هایی می زدند.^{۲۷}

ص: ۳۴۶

یک نمونه، حکایت آمدن موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر است که به موسی مبرقع شهرت دارد. وی در سال ۲۵۶ به قم آمد. روشن نیست که چرا برخی از مردم قم با وی به مخالفت برخاستند و او به اجبار به کاشان رفت. به نقل مؤلف تاریخ قم: «چون به کاشان رسید احمد بن عبدالعزیز بن دُلف عَجَلی او را اکرام کرد و ترحیب نمود و خلعت‌های بسیار و بارگیرهای نیکو و چندی ن تحمل بدو بخشید». در این وقت ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری و یکی دیگر از رؤسای عرب، مردم قم را به این جهت توییح کردند، «پس رؤسای عرب را به طلب ابوجعفر موسی بن محمد بفرستادند تا شفاعت کردند و او را به قم باز آوردند و بسیاری اعزاز و اکرام کردند و از مال خود از برای او سرایی بخریدند و همچنین چند سهم از قریه هنبرد و اندریقان و کارجه از برای او از ورثه مزاحم بن علی اشعری بخریدند و بیست هزار درم از برای او قسمت کردند و بدو دادند.»^{۲۸} به دنبال آن، خواهران وی زینب و ام محمد و میمونه دختران محمد بن علی در طلب او از کوفه به قم آمدند و به عقب ایشان بریبه دختر موسی بیامد. موسی مبرقع در سال ۲۹۶ وفات یافت.^{۲۹}

معمولاً سادات شهرهای قم، کاشان، و آبه یک نقیب داشتند. در باره ابوالحسن موسی بن احمد گفته شده است: ابوالحسن موسی بن احمد مردی بود بس فاضل متواضع و متخلق و سهل الجان ب بوده است. با عنفوان جوانی و حوادث سن نقابت سادات علویه به شهر قم و نواحی قم بدو مفوض بوده است و قسمتات و وظایف و رسوم و مرسومات و مشاهرات سادات آبه و قم و کاشان و خورزن مجموع به دست و اختیار و فرمان او بوده است و عدد ایشان در آن زمان از مردان و طفلان سیصد و سی و یک نفر بوده است.^{۳۰} عبدالجلیل قزوینی هم از خاندان سید زکی و پسرش یاد کرده که در ری، قم و کاشان نقابت داشته است.^{۳۱}

ص: ۳۴۷

از کهنترین امامزاده های ایران، امامزاده علی بن امام باقر - علیه السلام - است که به نام مشهد اردهال در ۴۲ کیلومتری غرب کاشان قرار دارد. گفته شده است که در نسب این امامزاده تردیدی وجود ندارد.^{۳۲} در دوره سلجوقیان، زمانی که شمار فراوانی از شیعیان به وزارت و دبیری رسیدند، مزار این امامزاده در آبادی

۲۴. تاریخ قم، ص ۹۸

۲۵. تاریخ قم، ص ۲۰۹

۲۶. نک: روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۱۲

۲۷. نک: تاریخ قم، ص ۲۱۰

۲۸. همان، ص ۲۱۵

۲۹. همان، ص ۲۱۶

۳۰. همان، ص ۲۲۰

۳۱. نقض، ص ۲۲۶

۳۲. نک: مجموعه تاریخی مذهبی مشهد اردهال کاشان، حسین فرخ یار، صص ۲۶ - ۳۴. داستانی از زندگی وی در کتابچه ای با نام تذکره حضرت سلطانه‌علی آمده است. این متن در مجموعه پیشگفته و نیز کتاب آداب و سنن اجتماعی فین کاشان صص ۹۴ - ۱۰۲ درج شده است.

کامل بوده و شاعر بلندپایه شیعی در این دوره، سید ابوالرضا فضل الله راوندی، قصاید فراوانی در باره این بنا و بانیان آن سروده است.

و مشهد صدق أودع الله بطنه***و ديعه سر من كرام أخاير
اباالحسن ابن الباقرالسيد الذي***غدا لعلوم الدين أبقّر باقر
عباه لمجدالدين خير ذخيرة***و كل عزيز يقفني بالذخائر^{۳۳}

سید در جای دیگری، در شعری که از مشهد بارکرسف به مجد الدین فرستاده، اشاره کرده که تو بعد از آنکه این مشهد ویرانه شده بود آن را آباد کردی:

لعمرى لقد آويته و نصرته***و عرفتہ من بعد تضييعه دهرا
این آبادی، آنچنان که در اشعار بعدی آمده، همه جانبه بوده است.^{۳۴}

این بقعه، آنگونه که سیدفضل الله آورده، مورد حمله سلجوق بن محمد بن ملکشاه در سال ۵۳۲ واقع شده و به لحاظ جلالت و مرتبت آن، تا اندازه ای از تخریب مصون مانده است. وی در توصیف لشکرکشی ترکان به مناطق مختلف در اطراف کاشان، و شرح ویرانگریهای آنها چنین سروده:

قصدا البارکرسف^{۳۵} قریه مشهد***السبط المطهر من بنی عدنان
لم یرقبوا الا لمشهدها و لا***راعوا اذمته من الشنان

ص: ۳۴۸

لکنهم لما رأوه مشهدا***ضخم المناكب عالی البنیان
ذهبية جذرانه فضیة***قیعانه بجیال عین الرانی
کالزهره الزهراء یلمع نورها***یستعصم القاصی به و الدانی
شهدت لرافعه جلاله قدره***و یلوح بالبنیان فضل البانی
...بانیه مجدالدین حقا و الذی***هو ناصرالاسلام و الایمان
استشعروا منه ففوض جمعهم***عن عرصتیه هیبه الدیان
فانفل عزمهم و لم یتجاسروا***أن یقدموا فیه علی طغیان

پس از آن اشاره به آمدن آنها به راوند کرده و این که هفده شبانه روز در آنجا ماندگار شدند و آن ناحیه را ویران کرده منابر را آتش زدند.^{۳۶}

گفتنی است که بقعه امامزاده حبیب بن موسی بن جعفر با تاریخهای ۶۶۷ و ۶۷۰ از امامزاده های معتبر کاشان است.^{۳۷}

عبدالجلیل در باره برخی مکانهایی که فرزندان بلاواسطه ائمه اطهار - علیهم السلام - در آنها مدفون بوده اند، می نویسد: «اهل ری به زیارت حضرت عبدالعظیم شونند و به زیارت ابو عبدالله الایض و به زیارت

۳۳. دیوان السید الامام ضیاءالدین فضل الله راوندی، صص ۵۲ - ۵۳

۳۴. دیوان السید، ص ۱۲۷

۳۵. که همه روستایی است که مشهد در آن واقع شده.

۳۶. دیوان السید، صص ۸۲ - ۸۳

۳۷. همان، صص ۹۰ - ۹۱

السید حمزة الموسوی... و اهل قم به زیارت فاطمه (س) بنت موسی بن جعفر - علیه السلام - که ملوک و امراء عالم، حنیفی و شَفَعوی به زیارت آن تربت تقرّب نمایند و اهل کاشان به زیارت علی بن محمد الباقر - علیه السلام - که مدفون است به بارکرسب^{۳۸} با چندان حجت و برهان که آنجا ظاهر شده است و اهل آوه به زیارت فضل و سلیمان شوند، فرزندان موسی بن جعفر الکاظم (ع)، و به زیارت او جان که عبدالله موسی - علیه السلام - مدفون است. اهل قزوین، سنّی و شیعه به تقرّب زیارت ابوعبدالله الحسین بن الرضا شوند.^{۳۹} نقل این نمونه ها، به دلیل تعلق آنها به قرن دوم و اوائل قرن سوم هجری است، دوره ای که سادات به طور دستجمعی به ایران، بویژه مناطق شیعه نشینی چون کاشان

ص: ۳۴۹

مهاجرت می کرده اند. در کاشان شمار زیادی امامزاده منسوب به فرزندان امام کاظم - علیه السلام - وجود دارد که گرچه بی واسطگی آنها با امام محل تردید تواند بود، اما بی شبهه، نباید نسب آنها با امام فاصله چندان داشته باشد. از جمله آنها بقعه عطابخش، که از فرزندان امام کاظم دانسته شده، بقعه هارون بن موسی بن جعفر - علیه السلام - بقعه احمد بن موسی بن جعفر - علیه السلام - ، بقعه سلیمان بن موسی بن جعفر - علیه السلام - بقعه طاهر و منصور فرزندان موسی بن جعفر (ع) ، بقعه حسن بن موسی بن جعفر (ع)، از جمله این امامزاده هاست.^{۴۰} می دانیم که کاشان و قم از مهمترین مراکز مهاجرت سادات به ایران بوده است.

تشیع کاشان در کتاب نقض

آگاهیهای فراوانی در باره تشیع کاشان در کتاب نقض آمده است. عبدالجلیل قزوینی رازی در این اثر، کتابی را که در رد بر شیعه بوده پاسخ داده است. در قرن ششم که کتاب مزبور تألیف شده، منطقه جبال مملو از شیعه بوده و در برابر خراسان سنّی سخت مقاومت می کرده است. برابری تشیع جبال با تسنن ماوراءالنهر را خواجه نظام الملک نیز گزارش کرده است. وی می نویسد: در روزگار محمود و مسعود و طغرل بیک و الب ارسلان، هیچ گبری، ترسایی و رافضی را زهری آن نبود که به صحرا آمدندی و ی ا پیش ترک شدند^{۴۱}. خواجه ادامه می دهد: اگر کسی در آن روزگار به خدمت ترکی آمد، به کدخدایی یا فرّاش یا به رکابداری، از او پرسیدندی که تو از کدام شهری و ولایتی و چه مذهبی داری. اگر گفتی حنفی ام یا شافعی ام و از خراسان و ماوراءالنهرم و یا از شهری که سنّی باشند، او را قبول کردی. و اگر گفتی شیعی ام و از قم و کاشان و آبه وریم، او را نپذیرفتندی. گفتی به وی که ما، مارکشیم و نه مار پروریم... و اگر سلطان طغرل و سلطان آلب ارسلان، هیچگونه بشنیدندی که امیری یا ترکی، رافضی را به خویشتن راه داده است، با او عتاب کردند و خ شم گرفتندی.^{۴۲}

ص: ۳۵۰

۳۸. جایی که اکنون مشهد اردهال است.

۳۹. نقض، ص ۵۵۸ - ۵۵۹

۴۰. آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، صص ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۸ (به ترتیب)

۴۱. همان مدرک، ص ۲۱۵.

۴۲. سیاستنامه، ص ۲۱۶

عبدالجلیل در قرن ششم به مناسبت‌های مختلف از تشیع کاشان یاد کرده است. از جمله از قول مخالفان تشیع آورده که در باره تشیع قم و کاشان می‌گفتند:

حمد لله که ما مسلمانیم *** نه زقمیم و نه زکاشانیم^{۴۳}

در مورد دیگری، عبدالجلیل در دفاع از این که آداب دینی در شهرهای شیعی رواج دارد، در باره کاشان می‌نویسد: و کاشان بحمدالله و منّه، منور و مشهور بوده است همیشه و بحمدالله هست بزینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مساجد جامع و مساجد دیگر با آلت و عدت و مدارس بزرگ، چون مدرسه صفویه و مجدیه و شرفیه و عزیزیه با زینت و آلت و عدت و اوقاف و مدرس، چون سید امام ضیاءالدین ابوالرضا فضل الله بن علی الحسن، عدیم النظیر در بلاد عالم بعلم و زهد و غیره او از ائمه و قضات و کثرت فقها و مقرئان و مؤذنان و عقود مجالس و ترتیب علمای سلف چون: قاضی ابوعلی الطوسی و اولادش (چون قاضی جمال ابوالفتح و قاضی خطیر ابومنصور حرس الله) و در وی مصلحان بی مر و حاجیان بی عدد و عمارت مشهد امام زاده علی بن محمد الباقر به یارکرز^{۴۴} است که مجدالدین فرموده است در آن حدود با زینت و عدت و آلت و رونق و نور برکات آنرا همه ملوک و وزراء خری دار، و سلاطین و امرا معترف و غیره آن و مانند این که همه دلالت است بر صفای ایمان و نزهت طاعت مؤمنان کاشان.^{۴۵}

عبدالجلیل در جای دیگر نیز مناطق شیعه نشین را در ایران و سرزمینهای عربی به این ترتیب آورده است: آنکه در ولایت حلب و حران و کوفه و کرخ بغداد و مشاهد ائمه و مشهد رضا - علیه السلام - و قم و کاشان و آوه و سبزوار و گرگان و استرآباد و دهستان جربادقان و همه بلاد مازندران و بعضی از دیار طبرستان و ری و نواحی بسیاری از ری و بعضی از قزوین و نواحی آن و بعضی از خرقان، همه شیعی اصولی امامتی باشند، پس عالم بخشیده است بر این گونه که بیان کرده شد و به هر ولایتی طایفه ای غلبه دارند

ص: ۳۵۱

و خطبه و سکه مختلف است و احکام و فتاوی بر مذهب خود کنند ...^{۴۶}

نویسنده فضایح در عبارت ذیل از دو محله مهم شیعه نشین ری و نیز برخی از شهرها شیعه مذهب سخن گفته است: و بدان که مذهب شهر نباید داشتن، نه هر که در قم و کاشان و سبزوار و نیشابور باشد و از محلههای ری مصلحگاه و زاد مهران باشد، باید که رافضی باشد؛ مذهب حق باید داشتن، تبع هوی نبودن نه از بهر آن را که در ری غالبی رافضی اند، آن بهتر بود اگر چه به عدد بسیارند.^{۴۷}

عبدالجلیل در موردی دیگر از کثرت مدارس و مساجد شیعه در کاشان سخن گفته^{۴۸} و در جای دیگری از تشیع شهرهای «ساری و قم و کاشان و آبه و ورامین و در مصلحگاه»^{۴۹} نقل دیگری از وی اشاره به رسم منقبت خوانی در شهرهای شیعه از جمله کاشان دارد.^{۵۰}

۴۳. نقض، ص ۵۷۷

۴۴. باریکرسف. مقصود مشهد قالی است.

۴۵. نقض، صص ۱۹۸ - ۱۹۹

۴۶. نقض، ص ۴۵۹

۴۷. نقض، ص ۴۵۳

۴۸. نقض، ص ۳۷، برای مساجد ری بنگرید: ری باستان، ص ۳۳۹ - ۳۳۱

۴۹. نقض، ص ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۹۴، ۲۷۶، ۳۰۹، ۳۶۴، ۴۳۶ - ۴۳۷، ۵۳۹، ۵۸۷، ۵۹۳ و ۶۰۵

عبدالجلیل در باره برگزاری نماز جمعه نیز در شهرهای شیعه از جمله کاشان عبارتی دارد قابل توجه: و بحمدالله و منّه در همه شهرهای شیعت، این نماز برقرار و قاعده هست و می کنند با خطبه و اقامت و شرائط، چنانکه در دو جامع به قم و به دو جامع به آوه و یک جامع به قاشان و مسجد جامع به ورامین و در همه بلاد شام و دیار مازندران. و انکار این، غایت جهل باشد.^{۵۱}

تشیع کاشان در فهرست منتجب الدین

در این فهرست اسامی عالمان شیعه کاشانی یا مقیم کاشان را در قرن ششم ملاحظه می کنیم. از جمله به چند عالم شیعی که در این شهر سمت قضاوت داشته اند، پرداخته شده است. چند قاضی مورد نظر عبارتند از:

سید کمال الدین ابوالمحاسن

ص: ۳۵۲

احمد فرزند فضل الله راوندی^{۵۲}; قاضی خطیرالدین ابومنصور حسین بن عبدالجبار طوسی،^{۵۳} سدیدالدین ابومحمد الحسن بن محمد قریب قاضی راوندی،^{۵۴} قاضی جمال الدین علی بن عبدالجبار طوسی،^{۵۵} قاضی رکن الدین عبدالجبار بن علی بن عبدالجبار طوسی،^{۵۶} قاضی تاج الدین محمد بن علی بن عبدالجبار طوسی،^{۵۷} قاضی شرف الدین ابوالفضل محمد بن الحسین بن عبدالجبار طوسی،^{۵۸} و قاضی جمال الدین محمد بن حسین بن محمد.^{۵۹}

وی همچنین از عالمانی یاد می کند که مانند برخی از قاضیان پیشگفته در اصل کاشانی نبوده اند، اما مقیم کاشان شده اند. افزون بر آنان که از خاندان عبدالجبار طوسی گذشت،^{۶۰} کسان دیگر عبارتند از: سدیدالدین ابومحمد حسن بن حسین بن علی دوریستی - طرشتی -^{۶۱} (اجازه ای از این عالم روی نسخه ای از کتاب المبسوط شیخ طوسی با تاریخ ۵۸۴ بوده که آن نسخه را افندی دیده است.^{۶۲} چنانکه اجازه دیگری از

۵۰. تقض، ص ۷۷

۵۱. تقض، ص ۳۹۵

۵۲. الفهرست، (منتجب الدین، تصحیح محدث ارموی، به کوشش محمد سمایی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی) ص ۳۹، ش ۳۷

۵۳. همان، ص ۵۱، ش ۹۲. عبدالجبار بن محمد بن حسین طوسی، جد خاندانی است که در ادامه نام برخی از آنها به عنوان قاضی کاشان آمده است. ابن عبدالجبار از اساتید ابوالرضا فضل الله راوندی بوده که وی اشعاری در رثای او سروده است. نک: دیوان السیدالامام ضیاءالدین

ابوالرضا راوندی، ص ۴۳

۵۴. همان، ص ۵۱، ش ۹۵

۵۵. همان، ص ۸۳، ش ۲۵۴

۵۶. همان، ص ۹۰، ش ۲۹۸

۵۷. همان، ص ۱۱۴، ش ۴۳۱

۵۸. همان، ص ۱۱۵، ش ۴۳۵

۵۹. همان، ص ۱۱۵، ش ۴۷۳

۶۰. در باره این خاندان نک: الفهرست، (تصحیح ارموی)، ص ۱۹۷. عبدالجلیل رازی نیز از این ابوعلی چنین یاد کرده: «ابوعلی طوسی نزلی

قاشان».

۶۱. همان، ص ۵۱، ش ۹۶

۶۲. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۹

همو بر روی نسخه ای از ارشاد مفید بوده که افندی عین خط ایشان را دیده است.^{۶۳} حکیم جمال الدین ابوسعید بن فرخان،^{۶۴} ادیب موفق الدین علی بن ابی علی الحسن بن علی بن زیاده احنفی،^{۶۵} شیخ شمس الدین علی بن محمد الوشنوی،^{۶۶} شیخ تاج الدین محمد بن محمد،^{۶۷} کمال الدین مرتضی بن عبدالله بن علی جعفری.^{۶۸}
ص: ۳۵۳

جز آنچه گذشت، از برخی دیگر از عالمان کاشانی هم در این دوره یاد شده که از جمله آنها شیخ ادیب محمد بن محمد ایوب مفید کاشانی^{۶۹}، شیخ رضی الدین ابوالنعیم بن محمد بن محمد کاشانی،^{۷۰} شیخ ابوطاهر علی بن ابی سعد بن علی کاشانی،^{۷۱} و خطیرالدین ابوعلی اسعد بن حمید بن احمد بن اسعد کاشانی^{۷۲} هستند.

کاشان مهد ادیبان و دبیران

به طور اصولی، منطقه جبال، بویژه شهر کاشان منطقه ای ادیب پرور بوده و بسیاری از آنها، شغل دبیری داشته اند. به همین دلیل در دستگاه سلجوقی هم نفوذی چشمگیر یافته اند. برخی از آنها تا حد وزارت برای خلفا نیز رسیده اند. به عنوان نمونه شرف الدین انوشیروان خالد کاشانی، وزیر المسترشد و محمود بن ملکشاه، بوده است.^{۷۳} محمد بن علی بن سلیمان راوندی در باره زین الدین خال خود و نیز خاندانش می نویسد: و کسانی که به بلاغت معروف بودند در جمله خطه عراق و صوب خراسان به خط و هنر تفاخر به شاگردی ما کردند و به سبب آن که اصحاب مناصب و وزیر و مستوفی و بیشتر دبیران دولت سلطان کاشی بودند و منشأ ما و مسقط الرأس ولایت کاشان بوده بود، ایشان گفتندی زین الدین همشهری ماست، اسم کاشی بر او علم شد و چنان شد که در عراق هر جا که خطی نیکو بینند گویند خط کاشان است یا از کاشیان آموخته است ... چنانکه در سنه سبع و خمسين و خمسمائة در کاشان که منشأ ادب و محل فضلاى لغت عرب بود بر بساط معین ساوی مستوفی سلطان قصیده بر خواند تازی که جمله فضلا اقرار کردند

ص: ۳۵۴

که به سن وی در هژده سالگی علی وجه الارض کس دیگر نبوده است.^{۷۴} گفتنی است که مؤلف راحة الصدور و نیز زین الدین خال وی که عبارت بالا در تمجید اوست حنفی مذهب بوده اند. دلیل آن نیز آن که آنها، از کاشان دور شده و چه بسا برای نفوذ در میان سلاطین متعصب سلجوقی که مروج مذهب حنفی بوده اند

۶۳. همان.

۶۴. همان، ص ۶۹، ش ۱۸۸

۶۵. همان، ص ۸۷، ش ۲۸۰

۶۶. همان، ص ۹۱، ش ۳۰۵

۶۷. همان، ص ۱۲۱، ش ۴۷۶

۶۸. همان، ص ۱۲۲، ش ۴۸۲

۶۹. همان، ص ۱۲۲، ش ۴۸۰

۷۰. همان، ص ۱۲۸، ش ۵۲۰

۷۱. همان، ص ۸۳، ش ۳۵۳

۷۲. همان، ص ۳۶، ش ۳۵

۷۳. تاریخ ایران، کمپیچ، ج ۵، ص ۲۷۹

۷۴. راحة الصدور، ص ۵۳

به این مذهب در آمده باشند. وی در ادامه، با ستایش از خال خود، اشاره می کند که همردیفان ادیب وی از قم و کاشان و ری با عداوت مخالفت مذهب که او حنیفی بود، همه اعتراف به فضل وی داشته اند.^{۷۵} وجود شاعری چون ابوالرضا راوندی با داشتن دیوان شعری به زبان عربی با قوت تمام، شاهدی بر حضور ادبیات قوی عربی در میان مردمان فرهیخته این شهر است که همگی شیعه بوده اند.

راوندی در جای دیگری از کتاب خود عبارتی دارد که حکایت از نفوذ شیعیان جبال در تشکیلات حکومتی سلجوقیان دارد: ... و خرابی جهان از آن برخاست که عوانان و غمّازان و بددینان ظالم، زبان در ائمه دین دراز کردند و ایشان را متهم کردند و تعصب و حسد در میان ائمه، ظاهر شد و عنوان بددین از قم و کاشان و آبه و طبرش و ری و فراهان و نواحی قزوین و ابهر و زنگان، جمله رافضی یا اشعری در لشکر سلطان افتادند و فرا امرا و سلاطین نمودند که ما از بهر شما توفیر می آوریم.^{۷۶}

به هر روی تخصص مردمان جبال مانند قم و کاشان سبب نفوذ آنها در تشکیلات اداری دولت سلجوقی شد. صاحب فضائح الروافض که در نقد شیعه نوشته شده می نویسد: و در عهد برکیارق و سلطان محمد، ابوالفضل براوستانی و بهسعد هندوی قمی، مستوفی بودند و آن دستار بندان از قم و کاشان و آبه، چنان مستولی بودند بکرد و رفت! (کردار و رفتار).^{۷۷}

عبدالجلیل در عبارتی که وصف مردمان شیعه بلاد مختلف را می کند، توصیفی از شیعیان کاشان دارد که جالب است. وی می نویسد: لشکر آل مرتضی، دانی که باشد؟

ص: ۳۵۵

شیر مردان فلیسان^{۷۸} باشد و سپاهسالاران در غایش^{۷۹} و سادات در زادمهران و جوانمردان در مصلحگاه و معتقدان در شقان و دیلمان آبه و وزیران قاشان و تازیان و علمای قم و سادات و شیعت قزوین و مردان مردانه و رؤساء و مصلحان و رامین و شبخیزان نرمین و سر وهه و معتقدان خوابه^{۸۰} و ملوک و اصیهدان ساری و دلیران آرم و عارفان سبزوار و شجاعان مبارزان نیشابور و مهتران جرجان و بزرگان دهستان و مؤمنان جربایقان - گلپایگان - و امینان استرآباد.^{۸۱}

عبدالجلیل اسامی شماری از دبیران و مستوفیان نواحی جبال را به این شرح آورده است: مجدالملک، و سعدالملک آوی وزیر محترم و مشیر حضرت سلطنت شرف الدین ابوطاهر مهیسه ای که وزیر فارس بوده است؛ معین الدین ابونصر کاشانی وزیر محتشم،^{۸۲} کمال ثابت قمی، مستوفی مسعود سلجوقی ملکین ابوفخر

۷۵. راحة الصدور، ص ۵۲

۷۶. راحة الصدور و آية السور، ص ۳۰

۷۷. نقض، ص ۸۲

۷۸. محدث در پاورقی، آن را یکی از دروازه های معروف ری، دانسته است.

۷۹. ظاهراً محلی در یکی از شهرهاست که در جای دیگر نیز مصنف، اسم آن را جزو مناطق شیعی آورده است. احتمالاً چون در بین همان محله فلیسان و مصلح گاه است، همراه با محله بعدی یعنی: «زادمهران و درشقان» از محلات ری بوده است. نک: تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۲۹۰.

۸۰. محدث در پاورقی نوشته: اسامی این سه منطقه در کتب جغرافی نیست احتمالاً اینها، مناطق روستایی یا محلات بعضی از شهرها، بوده اند.

۸۱. نقض، ص ۴۳۷

۸۲. در باره وی نگاه کنید به تعلیقات ارموی بر دیوان سید فضل الله راووی، صص ۲۲۵ - ۲۲۶

قمی، شمس الدین محمد بنیان تفرشی که همه مستوفیان محترم بوده اند.^{۸۳} گفتنی است که در قرن پنجم، طبرسی کتاب الاداب الدینیة للخزانة المعینیة خود را به نام سلطان معین الدین ابی نصر بن فضل بن محمود کاشانی تألیف کرده است.^{۸۴}

تشیع در راوند کاشان

راوند با فاصله تقریبی دوازده کیلومتری از کاشان در مسیر جاده قم به کاشان، از مراکز تشیع در نواحی جبال بوده است. یکی از برجسته ترین عالمان شیعه در قرن ششم، قطب الدین سعید بن عبدالله بن حسین بن هبة الله راوندی (۵۱۵ - ۵۷۳) از مردمان همین شهر

ص: ۳۵۶

است که به دلیل برجستگی علمی به شهر ری مهاجرت کرده و در آنجا نقش مهمی را در تدوین برخی از معارف شیعی در دوره خویش بر عهده گرفت. شرح حال وی را ابن حجر در لسان المیزان^{۸۵} از تاریخ ری منتجب الدین نقل کرده است.^{۸۶} این امر و شواهد دیگری که استاد عبدالعزیز طباطبایی - رحمه الله علیه - نقل کرده، نشان از سکونت وی در شهر ری دارد.^{۸۷} وی آثاری چون منهاج البراعه در شرح نهج البلاغه، قصص الانبیاء، فقه القرآن، الدعوات و الخرائج و الجرائح نگاشته که از حدود هیجده اثر وی نسخه هایی باقی مانده و بسیاری چاپ شده است. آثاری نیز داشته که متأسفانه تاکنون اثری از آنها یافت نشده است. مجموع آثار وی بنا به شمارش استاد طباطبایی در مأخذ پیشگفته، ۵۶ کتاب است. استاد شماری از چهره های برجسته خاندان راوندی را همانجا یاد کرده است.

سید ابوالرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله راوندی (متوفای بعد از سال ۵۷۲) عالم دیگر راوندی است که در جوانی از راوند به بغداد رفت تا به تحصیل علم بپردازد. در آنجا بود که نسخه ای از نهج البلاغه را به خط مؤلف آن یعنی سید رضی یافت و نسخه ای برای خود استنساخ کرد و در سال ۵۱۰ از استنساخ آن فارغ شد. وی بعدها به کاشان بازگشت و در آن شهر سکونت گزید. وی ادیبی برجسته بوده و اشعار وی به زبان عربی گواه تسلط وی بر این زبان است.

سمعانی ذیل مدخل قاسانی می نویسد:

و هذه النسبة الى قاسان و هي بلدة عند قم علی ثلاثین فرسخاً من اصفهان دخلتها و اقامت بها یومین و أهلها من الشیعة. و کان بها جماعة من أهل العلم و الفضل و أدركت جماعة منهم بها ... و أدركت بها السید الفاضل ابوالرضا فضل الله بن علی (العلوی) الحسینی القاسانی، و کتبت عنه أحادیث و أقطاعاتاً من شعره . و لما وصلت

ص: ۳۵۷

۸۳. تقض، ص ۲۲۱. نگاهی به کتاب وزارت در عهد سلاجقه عباس اقبال نیز می تواند شماری از این افراد را به ما بشناساند

۸۴. ذریعه، ج ۱، ص ۱۸

۸۵. لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۸

۸۶. در لسان المیزان (۳ / ۳۰۲) آمده: سعید بن هبة الله بن الحسن بن عیسی الراوندی ابوالحسین. ذکره ابن بابویه فی تاریخ الری و قال: کان

فاضلاً فی جمیع العلوم؛ له مصنفات کثیرة فی کل نوع و کان علی مذهب الشیعة

۸۷. نهج البلاغه عبر القرون (تراننا ۳۸ - ۳۹)، ص ۲۵۶

الی باب داره قرعت الحلقة، و قعدت علی الذکة أنتظر خروجه، فنظرت إلی الباب فرأیت مکتوباً فوقه بالجص: «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یتطهروکم تطهیراً».^{۸۸}

نسبت قاسانی، مربوط به شهر کاشان است. شهری است نزدیک قم که با اصفهان سی فرسخ فاصله دارد و داخل محدوده آن است. من به این شهر وارد شده و دو روز در آن ماندم. مردمان آن شیعه اند. در آنجا جمعی از اهل علم و فضل هستند که من خدمت برخی از آنها رسیدم. ... در آنجا خدمت سید فاضل ابوالرضا فضل الله بن علی راوندی حسینی قاسانی رسیدم و احادیث و اشعاری از وی نوشتم. زمانی که به در خانه او رسیدم، حلقه در را به صدا درآورده و منتظر باز شدن در ماندم. در این وقت که بر سکوی کنار در نشسته بودم، نگاهی به در خانه کردم دیدم با گچ آیه تطهیر نوشته شده است.

وی در زمان خویش شهرت بسیار فراوانی داشته و از بهترین مدرّسان در شهر کاشان بوده و مدرسه مجدیه متعلق به او بوده است.^{۸۹}

عماد کاتب نیز در کتاب خریدة القصر از او به عظمت و با القاب فراوان یاد کرده و نمونه هایی از اشعار وی را نقل کرده است.^{۹۰}

چنان که طباطبایی نوشته اند، وی نخستین شارح نهج البلاغه می باشد. از شرح نهج البلاغه وی دو نسخه شناخته شده است. در میان تألیفات وی یکی ترجمه العلوٰی للطّب الرضوی است که ترجمه فارسی رساله طبیه امام رضا- علیه السلام بوده است.

همانگونه که گذشت وی شاعری برجسته بوده که دیوان وی به کوشش محدث ارموی به چاپ رسیده است. سه بیت از اشعار وی را تبرکاً نقل می کنیم:

ألا یا آل احمد یا هداتی***لقد کنتم أئمة خیر أمة^{۹۱}

ص: ۳۵۸

أرادکم الحسود بکید سوء***فأصبح ما أراد علیه غمّة

یرید لیطفیء النور المصفی***و یأبی الله الا أن یتّمه^{۹۲}

یکی از فرزندان ابوالرضا راوندی، سید کمال الدین ابوالمحاسن أحمد بن فضل الله حسینی است که مدتی قاضی کاشان بوده و چندی نیز در اصفهان بسر برده است. منتجب الدین از وی یاد کرده است.^{۹۳} عزالدین ابوالحسن علی حسینی راوندی، فرزند دیگر اوست که منتجب الدین از وی و آثارش یاد کرده است.^{۹۴}

۸۸. الانساب، ج ۴، ص ۴۲۶

۸۹. در باره آن نک: تراثنا (ش ۳۵، ۳۶) ص ۱۶۹

۹۰. این بخش از خریدة القصر که مربوط به ایران است تاکنون چاپ نشده. عبارات فوق را بنگرید در مقدمه مرحوم محدث ارموی بر دیوان

ابوالرضا راوندی و مقاله استاد عبدالعزیز طباطبایی تحت عنوان «نهج البلاغه عبر القرون»، تراثنا، (ش ۳۵، ۳۶)، صص ۱۶۳ - ۱۶۲

۹۱. در دیوان بجای این بیت:

بنی الزهراء انکم الائمة***و فی أیدیکم منا الازمة

۹۲. نهج البلاغه عبر القرون، (تراثنا، ش ۳۵، ۳۶)، صص ۱۸۰ - ۱۷۹. دیوان السید، ص ۶۴

۹۳. الفهرست (ارموی)، ص ۳۹

۹۴. در باره او نک: مقدمه ارموی بر دیوان ابوالرضا راوندی، ص کط.

در فهرست منتجب الدین از بسیاری از عالمان راوندی قرن ششم یاد شده است . این عالمان به طور عمده از دو خانواده قطب الدین راوندی و امام ابوالرضا ضیاءالدین فضل الله راوندی است . افزون بر قطب الدین راوندی^{۹۵} و فضل الله راوندی^{۹۶} که شرح حالشان گذشت و نیز سه فرزند فضل الله یعنی سیدکمال الدین^{۹۷} و سید عزالدین علی و تاج الدین ابوالفضل محمد^{۹۸} عالمان دیگری که منتجب الدین از آنان یاد کرده عبارتند از : شیخ رشیدالدین حسین بن ابی الفضل بن محمد راوندی،^{۹۹} شیخ نصیرالدین ابوعبدالله حسین بن قطب الدین راوندی،^{۱۰۰} عمادالدین علی بن قطب الدین راوندی،^{۱۰۱} سیدفازشاه بن محمد علوی راوندی،^{۱۰۲} ظهیرالدین ابوالفضل محمد بن قطب الدین راوندی،^{۱۰۳} برهان الدین محمد بن علی بن ابی الحسین ابوالفضائل راوندی سبط قطب الدین راوندی،^{۱۰۴}

رواند بجز سید فضل الله، ادیبان دیگری نیز داشته است . یکی از آنها رئیس الکافی کاتب راوندی است که خود فضل الله دو بیت در ستایش وی سروده است.^{۱۰۵}

ص: ۳۵۹

افزون بر راوند، تمامی قریه های تابع کاشان شیعی بوده اند. یکی از آنها، ماه آباد است که افضل الدین حسن بن علی ماهابادی منسوب به آن می باشد. وی شرحی بر نهج البلاغه داشته و شاعر نیز بوده است. ابن اسفندیار از وی یاد کرده است .^{۱۰۶} منتجب الدین از شاگردان وی بوده و شماری از آثار او را بر شمرده است.^{۱۰۷} منتجب الدین از جد وی نیز که از عالمان شیعه بوده یاد کرده است .^{۱۰۸} چند بیتی از اشعار وی در ستایش اهل بیت چنین است:

علی أُنئی مولیَّ لآلِ محمد* * * هم شفعا ئی قد و صفت بهم حبلی
معادن وحی الله أعلام دینه* * * هم کلمات الله فی الصدق و العدل
نجوم الهدی و المنقذون من الردی* * * لیوث الوغی لکنهم سحب المحل
علیهم سلام الله غیر مصدر* * * کفاء لذاک الفضل و الخلق الجزل^{۱۰۹}

۹۵ . الفهرست، ص ۶۸، ش ۱۸۶

۹۶ . همان، ص ۹۶، ش ۳۳۴

۹۷ . همان، ص ۳۹، ش ۳۷

۹۸ . همان، ص ۱۱۸، ش ۴۵۳ شجره نامه این خاندان را حسن نراقی در تاریخ اجتماعی کاشان ص ۶۵ آورده است.

۹۹ . الفهرست، ص ۵۳، ش ۱۰۷

۱۰۰ . همان، ص ۵۴، ش ۱۱۱

۱۰۱ . همان، ص ۸۶، ش ۲۷۵

۱۰۲ . همان، ص ۹۶، ش ۳۳۳

۱۰۳ . همان، ص ۱۱۲، ش ۴۱۸

۱۰۴ . همان، ص ۱۱۲، ش ۴۱۹

۱۰۵ . دیوان السید، ص ۶۴

۱۰۶ . تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، صص ۱۱۹ - ۱۲۰

۱۰۷ . الفهرست، ص ۵۱، ش ۵۱

۱۰۸ . همان، ص ۳۵

۱۰۹ . نهج البلاغه عبر القرون (تراثنا، ش ۳۸، ۳۹)، ص ۲۹۹

منتجب الدین از عالم دیگری از ماه آباد با نام شیخ احمد بن علی ماه آبادی جد افضل الدین ماه آبادی هم یاد کرده که ادیب بوده و آثاری در صرف و نحو نوشته است.^{۱۱۰}

قطب الدین راوندی در کتاب الدعوات خود روایتی نقل کرده که در شناخت تشیع در یکی از نواحی کاشان مفید است. در روایتی که حضرت رضا - علیه السلام - به خط مبارک خود نوشته اند آمده است: کُنْ مَحَبًّا لِآلِ مُحَمَّدٍ وَانْ كُنْتَ فَاسِقًا وَ مَحَبًّا لِمَحْبِيهِمْ وَ انْ كَانُوا فَاسِقِينَ. امام رضا - علیه السلام - این حدیث را برای مردی از اهالی کرمند که قطب راوندی، آن را از نواحی اطراف منطقه خودش یاد کرده «من نواحینا الی اصفهان»^{۱۱۱} نوشتند. این مرد جمّال یا شتریان، که از اهالی همان محل بوده، در زمانی که امام رضا - علیه السلام -

ص: ۳۶۰

قصد سفر خراسان داشته اند، از آن حضرت خواستند تا حدیثی به خط مبارک خود برای وی بنویسند. حضرت هم سخن بالا را نوشتند. قطب راوندی می نویسد: این نوشته، در حال حاضر، نزد برخی از مردم کرمند موجود است.^{۱۱۲}

مراسم نهم ربیع در کاشان

دانسته است که در کاشان، در جاده فین، محلی به عنوان مدفن ابولؤلؤ قاتل خلیفه دوم وجود دارد.^{۱۱۳} این مکان، محل برگزاری جشن نهم ربیع بوده است. نکته قابل توجه آن است که قتل خلیفه دوم در ماه ذی حجه بوده و ارتباطی با تاریخ نهم ربیع ندارد. این در حالی است که برخی از عالمان دوره صفوی، اصرار در اثبات این نکته داشته اند که خلیفه در این تاریخ به قتل رسیده است.^{۱۱۴} افزون بر آن، همگی منابع بر این تصریح دارند که ابولؤلؤ پس از کشتن چند نفر در مسجد النبی، خودزنی کرده و کشت شده است. بنابر این مصادر، نباید آمدن او به کاشان یا نقطه ای دیگر وجهی داشته باشد.

با این حال، روشن نیست که از چه زمانی این مراسم در میان شیعیان عجم آغاز شده است. به نقل از ابن طاووس (م ۶۶۴) گروهی از عجمان - در اینجا یعنی ایرانیان - روز نهم ربیع جشن و سرور برپا می کنند. ابن طاووس تصریح نمی کند که این سرور به چه دلیلی است بلکه به طور مبهم می نویسد: و یذکرون أنه یوم

۱۱۰. الفهرست، ص ۳۵، ش ۱۴

۱۱۱. در اصل من نواحینا الی اصفهان ماهی. علامه مجلسی در معنای «ماه‌ی» نوشته اند: یعنی ما هی منه. از اصفهان نیست.

۱۱۲. بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۵۳ «باب الحب فی الله و البغض فی الله».

۱۱۳. گفته شده است که تاریخ موجود بر روی کاشیهای مقبره سال ۷۷۷ هجری را نشان می دهد. به علاوه قبر سیدی با نام سیدعزالدین تاج

الدین! در آنجا وجود دارد که با ۱۸ واسطه به امام سجاد - علیه السلام - می رسد. نک: آداب و سنن اجتماعی فین کاشان، ص ۹۰

۱۱۴. افندی از تألیف کتابی با نام رساله فی بیان بقر بطن عمر را دیده اما مؤلف آن را نشناسانده است او می گوید که بخشی از این کتاب را در

کتاب خود لسان الواعظین آورده است. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۷۹ - ۳۸۱؛ رساله ای نیز علامه مجلسی در باره تعیین روز وفات عمر

دارد نک: فهرست مرعشی، ج ۲۳، ص ۲۸. مجلسی در زاد المعاد هم در باره این روز به تفصیل بحث کرده است. گفتنی است که در مجمل

التواریخ و القصص (ابن شادی، تألیف در ۵۲۰) آمده: در کتابی اصفهانی گوید که او از ری قاسان بود و از دیهی فین و بر گبرگی باستان و این

حقیقت تر است.

هلاک بعض من کان یهون بالله جل جلاله و ر سوله و صلوات الله علیه و یعادیه . با این حال گویی خودش آن نظر را قبول ندارد.^{۱۱۵} این باید اشاره به مراسم روز نهم ربیع در کاشان باشد.

ص: ۳۶۴۱

به هر روی سخن ابن طاووس اشارتی است به قدمت سرور شیعیان عجم در روز نهم ربیع . ابن طاووس که عالم برجسته شیعی قرن هفتم هجری است در جایی دیگری مطلبی از کتب اصحابنا من العجم نقل کرده است.^{۱۱۶}

این مطلب در قرن هفتم و هشتم، در آثار برخی از شاعران شیعه مطرح شده است . از جمله نصره علوی رازی شاعر قرن هفتم، در باره امام علی (علیه السلام) چنین می سراید:

شهریاری کو امامت ز ایزد جبار داشت***خون و اندام و روان از احمد مختار داشت
چون کلامش محض حکمت بود بیشک لاجرم***بر دهان کفر و بدعت از حکم مسمار داشت
آن علی کز یقین پاک و ایمان تمام***در سرای سینه توحید و علوم انبار داشت
آن علی کاسیابانی ز یثرب داریش***برد در یک شب به کاشان چون عدو را خوار داشت
آن علی کز علو قدر با اصحاب کهف***در حضور سهل و سلمان و عمر گفتار داشت
آن علی کز خدا بودش امامت لاجرم***جبرئیل اندر ملا در هر غزا انصار داشت
آن علی کو به نص خاص انزلنا الحدید***از برای دین حق شمشیر خصم او باز داشت
آن علی کو به گاه کشف و حل مشکلات***معجز و فتح و نصر حق تعالی یار داشت
آن علی کو به گاه و جود و احسان و عطا***از جواهرهای کان و در دریا عار داشت
شاعر دیگر همان دوره حمزه کوچک است که از وی سه قصیده برجای مانده است . وی در وی در یکی از قصائدش می گوید:

ص: ۳۶۲

دلی که نیست درو مهر شبر و شبر***مخوانش دل که بود سنگ سخت یا آهن
دلم به حب حسین و حسن چنان نازد***که قوم موسی عمران به وادی امین
هوای مهر حسین و حسن ز قول رسول***به روز حشر بود دافع بلا و محن
خنک روان ابولؤلؤ شجاع زمان***که بر سرای نبوت رسوم قنبر داشت
به ضربتی که زد آن مرد پاک دین در آس***اساس شادی آل نبی معمر داشت
چو بود یاور دین رسول و یار علی***امان و مرحمت کردگار یاور داشت
هلاک دشمن دین مرد داری است***خوشا کسی کی به حق این حدیث باور داشت
کنون نشاط کن و شاد زی و عشرت ساز***چو حق تعالی ابولؤلؤ مظفر داشت
بساز آلت چنگال در نهم ز ربیع***چو ایزدت همه فتح و ظفر مقرر داشت
مدام صورت عیش و نشاط و کام و مراد***خدای عزوجل شیعه را مخمّر داشت
این اشعار تاریخچه مراسم روز نهم ربیع را که در کاشان و برخی دیگر از شهرهای شیعه در قرن هشتم برگزار می شده بخوبی نشان می دهد.

۱۱۵ . الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۱۱۳

۱۱۶ . الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۱۱۶

این مراسم تا عصر صفوی در کاشان برقرار بوده و در اوائل این دوره میرمخدوم شریفی سنی معاصر اسماعیل دوم، در کتاب نواقض الروافض که آن را بر ضد شیعه تألیف کرده،
ص: ۳۶۳

خبر آن را آورده است. متن آن را قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین نقل کرده است. این عادت بعدها به برخی از دیگر شهرها نیز کشیده شد.
قاضی نورالله شوشتری کتابی با نام مصائب النواصب در رد بر کتاب میرمخدوم نگاشته و به همین مطلب هم پاسخ داده است.^{۱۱۷} او می نویسد که این کار مورد تأیید علما نبوده و در زمان ما این عمل در کاشان متروک شده است.

عالمان شیعه کاشان در قرن هشتم و نهم

با وجود محدود بودن منابع رجالی و تاریخی از این دوره، اسامی چند عالم شیعی این دو قرن را در دست داریم.

نصیرالدین علی کاشی از عالمانی است که در اصل کاشانی بوده و برای تحصیل به عراق رفته در حله ساکن شده است. وی از معاصران قطب رازی و سید حیدر آملی بوده و آثانی مانند شرح طوابع قاضی بیضاوی، تعلیقات علی هوامش شرح الاشارات، و رساله مشتمله علی عشرین اعتراضا علی تعریف الطهاره فی کتاب القواعد نوشته است. قاضی نوالله شوشتری از شهرت وی به داشتن دقت و قدرت درک بالا سخن گفته است.^{۱۱۸} افندی در جای دیگری آورده است که نصیرالدین کاشی استاد سیدابوالعز جلال الدین بن شرفشاه حسینی بوده است.^{۱۱۹}

شخصی با نام رشیدالدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی شعیری، نهج البلاغه را نزد عبدالرحیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن خالد شیبانی در سال ۵۴۶ در کاشان خوانده است. این نسخه از نهج البلاغه که اجازه استاد در پشت آن بوده، در دسترس میرزا عبدالله افندی قرار داشته است.^{۱۲۰} مشابه این گزارش در باره شیخ ابوالحسین علی بن محمد بن علی کاشانی نیز گزارش شده است.^{۱۲۱}

ص: ۳۶۴

حسن بن حسین بن حسن سرابشروی در شهر کاشان در ۲۲ جمادی الاولی سال ۷۳۵ در محله باب ورده نسخه ای از تحریر الاحکام الشرعیه علامه حلی را کتابت کرده است. افندی نوشته است که اجازه ای از این عالم بر ای فرزندش زین الدین علی بر روی کتاب قواعد علامه دیده که از قرن هشتم بوده است. نیز اجازه ای از همو برای فرزندش روی نسخه ای از نهج البلاغه دیده که تاریخ آن ۷۲۸ بوده است.^{۱۲۲} نسخه ای از ارشاد که توسط حسن بن محمد بن حسین جاسبی هرازکانی در ۱۴ شوال ۵۶۵ نوشته شده و در سال ۵۶۶

۱۱۷. این کتاب با ترجمه میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی چاپ شده است

۱۱۸. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۸۱

۱۱۹. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۳۷

۱۲۰. ریاض العلماء، ج ۴، صص ۲۳۰ - ۲۲۹

۱۲۱. همان، ج ۴، ص ۲۳۱

۱۲۲. ریاض العلماء، ج ۱، صص ۱۷۴ - ۱۷۵

با نسخه فضل الله راوندی مقابله شده، به شماره ۱۱۴۴ در مرعشی نگهداری می شود. نسخه ای از الانتصار سید مرتضی با تاریخ کتابت ۲۵ ذی قعدة سال ۵۹۱ توسط ابوالحسن علی بن ابراهیم بن حسن بن موسی فراهانی در محله باب ولان کاشان کتابت شده که به شماره ۳۵۹۸ در کتابخانه مرعشی نگهداری می شود. در این دو قرن خاندان فتحان در شهر قم و کاشان زندگی می کرده اند. این خاندان از خاندانهای شیعی مشهور است که از قرن هفتم به بعد، عالمانی از آنها شناسائی شده اند.^{۱۲۳} یکی از این عالمان مولانا عمادالدین محمد بن محمد بن فتحان است که علامه حلی با یک واسطه از او حدیث نقل کرده است. از جمله آنها یکی عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک ابن فتحان الواعظ القمی الکاشانی است که یادداشتی از وی به تاریخ ۸۰۴ بر روی یکی از آثار علامه حلی موجود است.^{۱۲۴}

گفتنی است که این شخص از برجستگان خاندان فتحان در اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم هجری است که در کاشان اقامت کرده و پس از وی خاندان فتحان در این شهر بوده اند.^{۱۲۵} حسین بن ابی الحسن بن محمد بن حسن کاشانی دیگر عالم شیعی است که نسخه ای از قواعد علامه را در هفتم صفر سال ۷۲۸ کتابت کرده است.^{۱۲۶}

ص: ۳۶۵

محمد بن علی بن ح یدر بن حسن بن علی بن طاهر بن منصور مقرئ کاشانی در تاریخ شوال ۸۴۹ کتابت نسخه ای از قواعد را به اتمام رساند هاست. اجازه ای در پایان آن نسخه آمده که به خط احمد بن معین بن همایون بن علی الکاشی در کاشان نوشته شده است.^{۱۲۷} معین بن محمد بن علی ... بن دانیال الرهقی در سال ۸۹۸ در کاشان نسخه ای از قواعد را کتابت کرده است.^{۱۲۸}

کاشانیهای غیر شیعی

در کاشان به ندرت کسانی یافت می شوند که بر غیر مذهب شیعه امامیه بوده اند. از جمله از خلف بن احمد کاشانی یاد شده که اسماعیلی مذهب بوده است. وی از داعیان برجسته مرام اسماعیلیه بوده است.^{۱۲۹} خواجه نظام الملک از وی یاد کرده و این که دستور داشته تا به ری و قم و کاشان و آبه که رافضی زیاد است، برود. وی از قول استاد خلف نقل می کند که به او گفت: تو به جانب ری شو که آنجا در ری و قم و کاشان و آبه همه رافضی باشند و دعوی شیعت کنند.... پس خلف به ری آمد و در ناحیت پشاپویه در دیهی که آنرا کلین خوانند مقام گرفت». وی در ادامه آورده که خلف پس از گریختن از این ده، جمعی از مردان و زنان را به مذهب خود در آورده بود.^{۱۳۰}

۱۲۳. نک: خاندان فتحان، دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی، قم، ۱۳۵۲ ش.

۱۲۴. مکتبۃ العلامة الحلی، ص ۱۱۶

۱۲۵. خاندان فتحان، ص ۱۱ - ۱۳. استاد مدرسی در آنجا چهره های دیگری از ای خاندان شیعی را شناسانده اند.

۱۲۶. مکتبۃ العلامة الحلی، ص ۱۴۱

۱۲۷. همان، ص ۱۴۷

۱۲۸. همان، ص ۱۴۹، ۱۵۰

۱۲۹. اعلام اسماعیلیه، ص ۲۸۴

۱۳۰. سیاستنامه، ص ۲۸۳، ۲۸۴

محمد بن علی بن سلیمان راوندی، نویسنده راحة الصدور و آية الصدور در تاریخ آل سلجوق ، از کاشانی‌هایی است که بر مذهب تسنن بوده و در کتاب خود نیز به مذهب تشیع تاخته است. ما در جای دیگری عین عبارت وی را در این باره آورده ایم.

مؤلف کتاب تاریخ الجایتو با عنوان ابوالقاسم عبدالله بن محمد قاسانی یاد شده است. وی در صفحه ۹۶ کتاب خود از مذهب حنفی با عنوان «مذهب پاک حنفی» و از ابوحنیفه با عنوان «امام اعظم ابوالنعمان رضی الله عنه» یاد کرده است. کاشانی بودن وی گرچه محتمل است، اما باید دانست که قاسان نیز محلی است در ماوراءالنهر که کسانانی

ص: ۳۶۶

بدان منسوبند و اهالی آن طبق قاعده حنفی مذهب. یاقوت از این شهر با عنوان قاسان یاد کرده^{۱۳۱} در حالی که کاشان را قاشان ضبط کرده است.

گاه نیز مسلمانان سنی مذهب از این شهر عبور می کرده و برای مدتی در آن می مانده اند. در قرن دهم، فضل الله بن روزبهان خنجی (م ۹۲۷) به سال ۹۰۹، مدتی را در این شهر به سر برده و دو کتاب در آن نگاشته است. یکی ابطال نهج الباطل در رد علامه حلی و دیگری وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم.^{۱۳۲} چنانکه عالمان شیعی نیز از شهرهای دیگر، گاه به کاشان می آمده و برای مدتی در آن می مانده اند. نمونه آن عمادالدین طبری است که خود به آمدنش به این شهر در سال ۶۷۱ اشاره کرده است.^{۱۳۳}

ص: ۳۶۷

۱۳۱. نک: معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۳۵، ش ۹۳۶۱

۱۳۲. در این باره نگله کنید به مقدمه کتاب وسیلة الخادم او که به کوشش ما چاپ شده است.

۱۳۳. مناقب الطاهرین (رساله در باره) عباس اقبال، فرهنگ ایران زمین، سال ۱۳، ص ۶۸